



Res. article

The Relationship between Polarity and Clausal Modality in Persian

Azadeh Mirzaei¹✉

1- Assistant Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Received: 2020/04/06

Accepted: 2020/12/07

Abstract

Polarity is the opposition between positive and negative and Modality is the speaker's judgment about the proposition and proposal. In fact, modality is the space between 'yes' and 'no'. In this study, four main types of modality including "epistemic", "evidential", "deontic" and "dynamic" from Palmer's point of view, and three types of negation including "nuclear negation", "core negation" and "clause/ sentence negation" based on Role and Reference Grammar of VanValin were introduced and then the relationship between them was investigated in the Persian. In order to determine the polarity of the nucleus, the presence or absence of a negative prefix, and to determine the polarity of the core, the relationship of the verb and its arguments has been considered. To detect the polarity of the sentence, two tests of "tag question" and "lie test" were used. Examination of the data showed that when the modality of the sentence is changed, the polarity of the sentence is changed as well. It seems that the combination of modality and polarity is a strategy for language users to be able to formulate the same propositional meanings in different ways according to different contexts, and thus follow different discourse purposes.

Keywords: polarity, modality, negation, modal verb, Role and Reference grammar, Persian.

Citation: Mirzaei, A. (2021). The Relationship between Polarity and Clausal Modality in Persian. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 9 (32), 113-135. (In Persian)





رابطه قطبیت و وجهیت بندی در زبان فارسی

آزاده میرزائی[✉]

۱- استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۲

دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۵

چکیده

قطبیت، تقابل میان مثبت و منفی و وجهیت، قضاوت گوینده در مورد درستی گزاره یا میزان احتمال اجرایی شدن خواسته یا پیشنهاد است. اگر میان احتمال درستی گزاره یا امکان اجرایی شدن پیشنهاد، درجاتی وجود داشته باشد، قطبیت را می‌توان به نوعی دو سر پیوستار وجهیت در نظر گرفت. در پژوهش حاضر از میان امکانات وجهی، چهار امکان وجهیت «برداشتی»، «گواه‌نمایی»، «درخواستی» و «پویا» از نگاه پالمر و در بحث قطبیت، «نفی هسته‌ای»، «نفی بخش اصلی» و «نفی بند یا جمله» بر اساس دستور نقش و ارجاع ون ویلین معرفی شده و سپس رابطه میان آن‌ها در زبان فارسی بررسی شده است. برای بررسی نفی هسته‌ای، به وجود یا عدم وجود پیشوند نفی و برای تعیین قطبیت بخش اصلی، به رابطه موضوع‌ها با فعل اصلی توجه شده است. برای تشخیص قطبیت جمله از دو آزمون «پرسش ضمیمه» و «آزمون دروغ» استفاده شده است. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که با تغییر وجهیت جمله، قطبیت آن نیز دست‌خوش تغییر می‌شود. به نظر می‌رسد تلفیق امکانات وجهیت و قطبیت دستاویزی برای کاربران زبان است تا بتوانند مفاهیم گزاره‌ای یکسان را در بافت‌های مختلف، متفاوت صورت‌بندی کنند و در نتیجه مقاصد کلامی متفاوتی را نیز دنبال کنند.

کلیدواژه‌ها: قطبیت، وجهیت، نفی، فعل وجهی، دستور نقش و ارجاع، زبان فارسی.



۱- مقدمه

مفهوم نفی در بسیاری از زبان‌ها دستوری می‌شود و به صورت ادات نفی در کنار فعل ظاهر می‌شود (هلیدی و متیسن^۱، ۲۰۱۴: ۱۷۳). این مفهوم در زبان انگلیسی به صورت *not* در آلمانی *nicht* و در زبان فارسی به طور عمده به شکل *ند* ظاهر می‌شود. در برخی زبان‌ها مانند انگلیسی، به شرط حضور برخی از قیده‌های منفی‌ساز مانند *nowhere* و *seldom* عنصر نفی حذف می‌شود و فعل با وجود اینکه معنای منفی می‌گیرد؛ اما به شکل فعل مثبت در جمله ظاهر می‌شود. در زبان فارسی چنان‌چه این قیده‌ها ظاهر شوند، فعل همچنان صورت منفی خود را حفظ می‌کند.

در زبان فارسی در بررسی مفهوم نفی، پژوهش‌های متنوعی صورت گرفته که از جمله آن‌ها می‌توان به ربانی اصفهانی (۱۳۷۵) اشاره کرد. او نفی را در ارتباط با وجه فعل بررسی کرده و آن را به دو بخش حوزه‌ای و جمله‌ای تقسیم می‌کند. وی ذیل عنوان «نفی جمله‌ای»، مفهوم نفی در جملات ساده و مرکب را بررسی کرده و بر این باور است که وجه فعل، (چه خبری، چه التزامی) بر منفی‌سازی آن اثر دارد. شقاقی (۱۳۸۱) انواع پیشوندهای نفی را معرفی و بررسی کرده و در خصوص میزان زایایی این وندها اظهار نظر کرده است. باقری (۱۳۸۵)، بر اساس الگوی پین^۲ (۱۹۸۵)، ضمن معرفی انواع امکانات منفی‌سازی، کوشیده است تا نشان دهد کدام یک از این امکانات در زبان فارسی کار می‌کنند.

صدیق ضیابری (۱۳۸۸) تلاش کرده است تا مفهوم نفی در زبان فارسی را با رویکردهای نحوی و کلامی بررسی کند، رضایی و آزادمنش (۱۳۹۷) بر اساس فضای مفهومی باند (۲۰۰۹) که به نقشه مفهومی مقوله نفی می‌پردازد، سه راهبرد برای بیان مقوله نفی معرفی می‌کنند که شامل نفی ساخت‌واژی «ند»، ساختار هم‌پایه «نه ... نه»، تکواژ آزاد «نه» یا «خیر» می‌شود و خشکباری (۱۳۹۷) رابطه مفهوم نفی و وجه درخواستی را بر مبنای دستور نقش‌گرای نظام‌مند بررسی کرده است. خشکباری (۴۵) جمله را که دارای وجه درخواستی است و حداقل یک فعل منفی دارد، بررسی کرده و نشان داده است که در صورت جابه‌جایی عنصر نفی، در فعل بند پایه و پیرو، وضعیت نفی و اثبات جمله دچار تغییر می‌شود.

تنوع و سابقه پژوهش‌های صورت‌گرفته در بحث و جهت^۳ از مطالعات قطبیت^۴ هم بیشتر است. برای نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: اخلاقی (۱۳۸۶) بر اساس نگاه پالمر و ویژگی‌های معنایی و

1. M. Halliday and C. Matthiessen

2. J. R. Payne

3. modality

4. polarity

نحوی سه فعل وجهی «بایستن، شدن و توانستن» را بررسی کرده است. کریمی دوستان و ایلخانی پور (۱۳۹۱) اسامی وجهی و صفات وجهی را معرفی کرده و ویژگی‌های معنایی و ساخت‌واژی صفات وجهی را مورد توجه قرار می‌دهند. رحیمیان و عموزاده (۱۳۹۲) بر اساس رویکرد پالمر، افعال وجهی فارسی را از دو جنبه درجه و نوع بررسی می‌کنند و افزون بر آن، بر روی تأثیر بافت بر رفع ابهام معنایی از این افعال متمرکز می‌شوند. رحمانی پرهیزکار و دیگران (۱۳۹۳) ضمن بررسی تفاوت وجه و وجهیت بر اساس رویکردی شناختی، بیان می‌دارند که مفاهیم وجهیت افعال وجهی «باید، شاید، توانستن و خواستن» بسیار تحت تأثیر عامل نفی، زمان دستوری و وجه هستند و اظهار می‌کنند که فعل‌های «باید و شاید» از افعال وجهی و «توانستن و خواستن» از افعال نیمه‌وجهی هستند. رضایی و نیسانی (۱۳۹۵) با رویکردی نقشی - رده‌شناختی، به تمایز وجهیت گواه‌نمایی و معرفتی می‌پردازند.

در پژوهش پیش رو، ارتباط قطبیت (تقابل مثبت و منفی) و وجهیت (نظر گوینده درباره‌ی درستی گزاره یا امکان اجرایی شدن خواسته) در زبان فارسی بررسی می‌شود. وجهیت مورد نظر نوشتار حاضر از نوع بندی است و قطبیت جمله در سطوح مختلف و با توجه به انواع امکانات وجهیت بندی مورد توجه قرار می‌گیرد. برای این منظور چهار امکان وجهی، شامل وجهیت برداشتی^۱، وجهیت گواه‌نمایی^۲، وجهیت درخواستی^۳ و وجهیت پویا^۴ از نگاه پالمر^۵ (۲۰۰۷) معرفی می‌شود. برای بررسی امکانات قطبیت، با اتکا به دستور نقش و ارجاع ون ویلین^۶ (۲۰۰۵) سه امکان نفی هسته‌ای^۷، نفی بخش اصلی^۸ و نفی بند مورد توجه قرار می‌گیرد. سپس با توجه به روابط میان قطبیت و انواع امکانات وجهیت بندی، سه امکان نفی هسته‌ای، بخش اصلی و بندی در نگاه ون ویلین در زبان فارسی معرفی می‌شوند.

برای بررسی قطبیت بخش اصلی، احتمال وقوع گزاره یا امکان اجرایی شدن خواسته در هر مورد، بررسی و برای تعیین قطبیت جمله از دو آزمون پرسش ضمیمه^۹ و آزمون دروغ^{۱۰} استفاده می‌شود. آزمون «پرسش ضمیمه» را میرزائی (۱۳۹۲) با الهام از مورگان^{۱۱} (۱۹۷۵)، و آزمون «دروغ» را

1. epistemic modality
2. evidential modality
3. deontic modality
4. dynamic modality
5. F. R. Palmer
6. R. D. Van Valin
7. nuclear negation
8. core negation
9. tag question
10. lie-test
11. J. Morgan

ارتشیک‌شیر^۱ (۲۰۰۷: ۱۶۴) برای بررسی سطح اطلاع جمله بر اساس قطبیت جمله استفاده کرده‌اند. از آنجا که این دو آزمون، به قطبیت جمله توجه می‌کنند، در این بخش می‌توانند برای بررسی نفی و اثبات جمله، استفاده شوند. در آزمون دروغ، صدق گزاره مطرح شده به چالش کشیده می‌شود و در ادامه آن جمله‌ای که تولید می‌شود، قطبیتی خلاف جمله اول دارد؛ برای مثال اگر در مقابل جمله «علی آمد»، بگوییم این دروغ است، ادامه آن این طور خواهد بود که «علی نیامد» و همان طور که مشخص است، «آمد» و «نیامد» قطبیتی خلاف هم دارند.

در آزمون پرسش ضمیمه نیز قطبیت پرسش کوتاه ایجاد شده، خلاف قطبیت جمله‌ای است که پرسش از روی آن ساخته می‌شود. اگر در بررسی قطبیت جمله مرکب ندانیم که تعیین قطبیت جمله با کدام فعل است، می‌توان از این دو آزمون استفاده کرد. بدیهی است که اگر قطبیت جمله ایجاد شده پس از عبارت «این دروغ است» یا قطبیت پرسش ضمیمه منفی باشد، قطبیت جمله مرکب مورد نظر مثبت است و اگر مثبت باشد، قطبیت آن منفی خواهد بود. بر اساس این، هدف پژوهش حاضر از یک سو بررسی تأثیر وجهیت بندی بر قطبیت جمله و از سوی دیگر تعیین انواع قطبیت هسته‌ای، بخش اصلی و بندی در زبان فارسی است. نکته‌ای که در این میان باید به آن توجه کرد آن است که زمان و نمود افعال هم می‌تواند بر رابطه قطبیت و وجهیت تأثیرگذار باشد که در این مجال نمی‌گنجد و می‌تواند در پژوهشی مستقل مورد توجه قرار گیرد.

۲- تحلیل داده‌ها

در دستور نقش و ارجاع که هر جمله به صورت لایه‌ای بررسی می‌شود، عنصر نفی، تنها عمل‌گری^۲ است که در هر سه لایه هسته^۳، بخش اصلی^۴ و بند^۵ حضور دارد (ون ویلین، ۲۰۰۵: ۹). منظور از «هسته» پایین‌ترین سطح است که به محمول جمله اختصاص دارد. لایه بعدی «بخش اصلی» است. مجموعه هسته و موضوع‌های^۶ آن، بخش اصلی را تشکیل می‌دهد؛ بخش اصلی در کنار افزوده‌ها، لایه سوم، یعنی بند را می‌سازند. و بند در کنار سازه‌های پیشاینده یا پساینده، قیده‌های جمله، سازه مبتدا و کانون، جمله را تشکیل می‌دهد (شکل ۱). در هر یک از سطوح پیش گفته، از راه سه نوع پیوند^۷

1. N. Erteschik-Shir
2. operator
3. nucleus
4. core
5. clause
6. argument
7. nexus

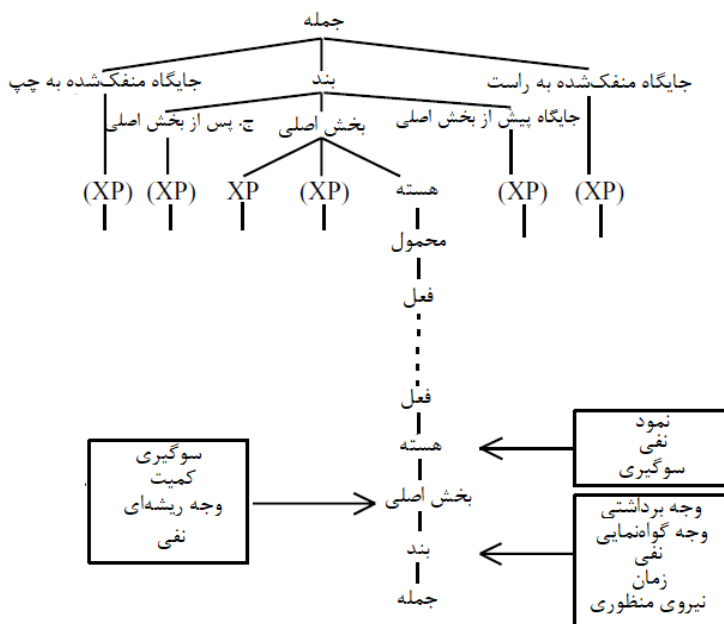
هم‌پایه‌سازی، ناهم‌پایه‌سازی و شبه‌ناهم‌پایه‌سازی، امکان ترکیب واحدها فراهم می‌آید. سه نوع اتصال^۱ هسته‌ای، بخش اصلی و بندی و انواع روابط پیوند به لحاظ منطقی نه رابطه اتصال - پیوند را ایجاد می‌کند که اتفاقاً همه آن‌ها رخداد زبانی دارند (ون ویلین، ۲۰۰۵: ۱۹۱) و همگی ذیل گره جمله، انواع امکانات ترکیب واحدها را پدید می‌آورد.

سیطره عملکرد «نفی هسته‌ای» بر روی هسته است، سیطره عملکرد «نفی بخش اصلی»، بر روی موضوع‌ها و احتمالاً هسته است و سیطره عملکرد «نفی بندی» بر کل بند است. بر اساس این، در بحث قطبیت، در کنار منفی‌سازیِ محمول اصلی جمله که سیطره آن روی خود فعل است، برای منفی‌سازی در سطح بخش اصلی لازم است که از عمل‌گرهای دیگر مطرح در جمله استفاده شود تا سیطره عملکرد نفی را به سازه‌های موضوع بکشاند. در منفی‌سازی بندی هم وضع به همین منوال است. در واقع وقتی فعل جمله منفی می‌شود و در زبان فارسی به طور عمده پیشوند منفی‌ساز بر روی فعل ظاهر می‌شود، نفی هسته‌ای مطرح می‌شود. زمانی که عملکرد نفی بر سازه‌های موضوع سیطره دارد، قطبیت جمله در ارتباط با وجه ریشه‌ای^۲ (به تعبیر ون ویلین) یا وجه رویدادی^۳ (به تعبیر پالمر) مطرح می‌شود. چون در وجه ریشه‌ای/ رویدادی، موضوع بر سر تمایل یا اجبار مشارکان فعل جمله است. در جمله «بچه غذا را خورد»، بچه و غذا/ سازه‌های موضوع هستند. این جمله می‌تواند به صورت «بچه دوست دارد غذا را بخورد» یا «بچه مجبور است غذا را بخورد» تغییر کند. با ورود مفهوم وجهیت ریشه‌ای/ رویدادی، مشخص می‌شود که بچه به مثابه یکی از سازه‌های موضوع در جمله «دوست دارد...»، تحت تأثیر نیروی درونی خودش است؛ اما در جمله مجبور است... تحت تأثیر نیروی بیرونی است. حال اگر بخش وجهی این جمله منفی شود، سازه‌های موضوع تحت سیطره مفهوم قطبیت قرار گرفته‌اند. این وضعیت در ارتباط با بند نیز به همین صورت است.

در پژوهش پیش رو برای بررسی ارتباط دو مفهوم قطبیت (تقابل نفی و اثبات) و وجهیت، جملات مرکبی مورد توجه قرار گرفته‌اند که یک بند آن‌ها مفهوم وجهیت را بازنمایی می‌کند. امکانات وجهی مورد نظر این پژوهش بر اساس رویکرد پالمر (۲۰۰۷) تعریف می‌شود. پالمر (۲۰۰۷: ۸-۱۰) در نظام وجه‌نمایی از چهار نوع وجهیت اصلی، شامل وجهیت برداشتی، گواه‌نمایی، درخواستی و پویا سخن می‌گوید. وجهیت برداشتی و گواه‌نمایی، وجهیت گزاره‌ای^۴ هستند و وجهیت درخواستی و پویا،

1. juncture
2. root modality
3. event modality
4. propositional modality

وجهیت رویدادی. در این تقسیم‌بندی منظور از وجهیت گزاره‌ای، وجهیتی است که با دیدگاه نویسنده نسبت به درست و غلط یا واقعیت‌پذیری گزاره در ارتباط است و منظور از وجهیت رویدادی، وجهیت رویدادهایی است که اگرچه بالقوه امکان وقوع دارند؛ اما هنوز رخ نداده‌اند و به طور کلی واقعی نیستند (پالمر، ۲۰۰۷: ۷ و ۸).



شکل (۱). ترتیب عملگرها در ساختار لایه‌ای بند (ون ویلین، ۲۰۰۵: ۱۲)

وجهیت برداشتی، قضاوت گوینده، در خصوص واقعیت‌پذیر بودن گزاره را نشان می‌دهد و سه زیربخش دارد: ۱- گمانه‌زنی؛ ۲- استنتاجی^۲ و ۳- فرضی^۳. وجهیت گواهنمایی نشان می‌دهد که گوینده، چه مدرک و سندی برای واقعیت‌پذیری گزاره دارد و شامل پنج بخش است: ۱- اطلاعات عمومی؛ ۲- تجربه شخصی؛ ۳- شنیده‌ها؛ ۴- شایعات^۷ و ۵- استنتاج^۸. از آنجا که نوشتار پیش رو به زیربخش‌ها ورود نمی‌کند، برای پرهیز از طولانی شدن مطلب از معرفی آن‌ها پرهیز می‌شود.

1. speculative
2. deductive
3. assumptive
4. general knowledge
5. first-hand personal experience
6. auditory evidence
7. hearsay
8. inference

در وجهیت درخواستی عوامل تأثیرگذار بر رخ دادن رویداد جمله، خارجی هستند، یعنی نیرویی بیرونی، انجام رویداد را مجاز می‌شمرد یا آن را اجبار می‌کند؛ بر همین اساس این نوع وجهیت، دو زیربخش دارد؛ ۱- اجازه^۱ و ۲- اجبار^۲. در وجهیت پویا، دو نیروی درونی توانایی و تمایل^۳، بر انجام رویداد تأثیرگذار است و شامل دو بخش توانایی^۴ و خواسته‌ای^۵ است.

جدول (۱). دو نوع وجهیت عمده در نظام وجه‌نمایی مورد نظر پالم (۲۰۰۷)

وجهیت گزاره‌ای	وجهیت برداشتی	گمانه‌زنی، استنتاجی، فرضی
وجهیت رویدادی	وجهیت درخواستی	اطلاعات عمومی، تجربه شخصی، شنیده‌ها، شایعه، استنتاج
	وجهیت پویا	اجبار و اجازه
		توانایی و تمایل

ون ویلین (۲۰۰۵: ۹) وجهیت ریشه‌ای (وجهیت رویدادی در نگاه پالم) را از عملگرهای بخش اصلی و وجهیت برداشتی و گواه‌نمایی را از عمل‌گرهای بند می‌داند. با توجه به سیطره عملکرد وجهیت ریشه‌ای، برداشتی و گواه‌نمایی، مثبت و منفی بودن فعل‌های وجهی می‌تواند سطح عملکرد قطبیت را تغییر دهد.

نگارنده در پژوهش حاضر برای بررسی رابطه قطبیت و وجهیت، در مورد هر امکان وجهی، ابتدا چهار حالت نفی و اثبات در نظر گرفته است. در حالت اول، فعل هر دو بند، مثبت است؛ در حالت دوم فعل هر دو بند، منفی است، در حالت سوم، فعل بند وجهی مثبت و فعل بند اصلی منفی است و در حالت چهارم، فعل بند وجهی منفی و فعل بند اصلی مثبت است. جدول‌های (۲) تا (۵) حالت‌های مورد اشاره را برای هر یک از امکانات وجهی به تصویر کشیده است. لازم به توضیح است که در این جدول‌ها، فعل اصلی و وجهی‌ای که منفی هستند برای نمایش بهتر، زیرخط‌دار شده‌اند.

برای تعیین قطبیت هسته‌ای، به وجود یا عدم وجود پیشوند نفی بر روی فعل توجه می‌شود. برای تعیین قطبیت بخش اصلی، احتمال وقوع گزاره یا امکان اجرایی شدن خواسته از سوی مشارکان فعل بررسی می‌شود؛ یعنی در هر مورد به این نکته توجه می‌شود که فارغ از مثبت یا منفی بودن فعل، احتمال وقوع آن که به طبع با وضعیت مشارکان در ارتباط قرار می‌گیرد، به چه صورت است.

1. permission
2. obligation
3. willingness
4. abilitive
5. volitive

برای تعیین قطبیت کلّ جمله، از آزمون پرسش ضمیمه استفاده می‌شود. پرسش ضمیمه، پرسشی کوتاه است که با قطبیتی، خلاف قطبیت جمله اصلی مطرح می‌شود؛ برای نمونه در مثال (۱)، فعل جمله یعنی «نرفته است» منفی است و در بخش دوم و در پرسش ضمیمه، فعل جمله مثبت می‌شود. به این ترتیب با توجه به آزمون پرسش ضمیمه در هر مورد مشخص می‌شود که قطبیت کلّ جمله چیست. اگر پرسش ضمیمه مثبت ساخته شد، قطبیت جمله اصلی منفی خواهد بود و برعکس.

(۱) الف. علی دیروز به مدرسه نرفته است. رفته است؟^۱

آزمون دیگری که در نوشتار پیش رو از آن استفاده شده، آزمون دروغ است. این آزمون صدق جمله را به چالش می‌کشد و به این شکل است که در مقابل جملات مطرح شده، عبارتهایی مانند «این حقیقت ندارد»، «این درست نیست» یا «دروغ است» قرار می‌دهد. در ادامه این عبارت، قطبیت جمله مورد نظر برعکس می‌شود؛ برای نمونه در مثال (۲)، فعل جمله یعنی «نرفته است»، منفی است و در آزمون دروغ، پس از عبارت «این حقیقت ندارد» و عبارتهایی مانند آن، برای به چالش کشیدن درستی خبر مطرح در جمله، فعل مثبت «رفته است» می‌آید. پس در آزمون دروغ، اگر پس از عباراتی مانند «این حقیقت ندارد» جمله منفی شد، یعنی قطبیت جمله اصلی مثبت بوده است و برعکس.

(۲) الف. علی دیروز به مدرسه رفته است.

ب. این دروغ است، نرفته است.

۱-۲- وجهیت برداشتی

همان طور که گفته شد، وجهیت برداشتی، از قضاوت گوینده در خصوص واقعیت‌پذیر بودن گزاره، می‌گوید (پالمر، ۲۰۰۷: ۸). جدول (۲) رابطه قطبیت و وجهیت برداشتی را نشان می‌دهد.

در حالت اول، فعل هر دو بند، مثبت است؛ این یعنی قطبیت هسته‌ای در هر دو بند مثبت است. با توجه به مثبت بودن فعل «آمدن» و اینکه احتمال وقوع آن بالا است، قطبیت بخش اصلی، نیز مثبت خواهد بود؛ یعنی امکان «آمدن علی به سر کلاس» وجود دارد. برای بررسی قطبیت جمله، می‌توان از آزمون‌های پرسش ضمیمه و دروغ استفاده کرد. پرسش ضمیمه مناسب برای جمله (۳ الف)، قطبیتی

۱- لازم به توضیح است که در ادامه برای آنکه بتوان با شماره یا حروف الفبا به پرسش ضمیمه اشاره کرد، بخش پرسش ضمیمه با عنوان بخش «ب» معرفی می‌شود و زیر جمله خبری اصلی نوشته می‌شود. بدیهی است که این بدان معنا نیست که بخش «الف» و «ب» به وسیله دو فرد مختلف تولید شده‌اند.

منفی دارد. برای ساختن پرسش ضمیمه، در این حالت، صدق خود خبر (و نه فعل وجهی)، مورد تردید قرار می‌گیرد.

۳) الف. فکر می‌کنم که علی دیروز سر کلاس آمده باشد.

ب. نیامده است؟

پ. این درست نیست، نیامده.

آزمون دروغ هم همین نتیجه را تأیید می‌کند؛ یعنی پس از عبارت «این درست نیست»، فعل «نیامده» مطرح می‌شود و صدق «آمدن» مورد تردید قرار می‌گیرد. بر همین اساس می‌توان ادعا کرد که قطبیت جمله (۳) مثبت است.

در حالت دوم، قطبیت فعل هر دو بند، منفی است (جمله ۴). جمله (۴) معادل این است که بگوییم «فکر می‌کنم ... آمده باشد». بر همین اساس قطبیت بخش اصلی هم مثبت خواهد بود؛ یعنی امکان «آمدن علی به سر کلاس» وجود دارد.

پرسش ضمیمه مناسب برای جمله (۴ الف)، با وجود آنکه هر دو بند منفی هستند، قطبیتی منفی خواهد داشت و اگر قطبیت پرسش ضمیمه را مثبت در نظر بگیریم، جمله نادرستی خواهد شد (۴ پ). به این ترتیب به نظر می‌رسد، ذهن گویشور در رویارویی با چنین جمله‌ای، برای ساخت پرسش ضمیمه، محتوای معنایی جمله را در نظر می‌گیرد و نه صورت منفی فعل وجهی یا اصلی را.

۴) الف. فکر نمی‌کنم علی دیروز سر کلاس نیامده باشد.

ب. نیامده؟

* پ. آمده؟

ت. این درست نیست، نیامده.

آزمون دروغ هم این مسئله را تأیید می‌کند. در بخش «ت» پس از عبارت «این درست نیست»، فعل «نیامده» قرار می‌گیرد. به این ترتیب می‌توان گفت که قطبیت کل جمله مثبت است؛ یعنی اگر قطبیت فعل‌های هر دو بند، منفی باشد؛ قطبیت جمله مثبت خواهد بود.

در حالت سوم، قطبیت فعل بند وجهی مثبت و قطبیت فعل بند اصلی منفی است. قطبیت بخش اصلی در این جمله منفی است چون این جمله می‌گوید امکان «نیامدن علی به سر کلاس» وجود دارد و انجام نشدن رویداد اصلی جمله را به تصویر می‌کشد.

پرسش ضمیمه‌ای که برای جمله (۵ الف)، ساخته می‌شود، صدق خبر را مورد تردید قرار می‌دهد و قطبیت پرسش مثبت است. در آزمون دروغ هم، پس از عبارت «این درست نیست» فعل «آمده» قرار می‌گیرد که نشان می‌دهد، صدق خبر، یعنی صدق بند اصلی مورد تردید قرار گرفته است. بر اساس این، می‌توان گفت که در حالت سوم، قطبیت جمله منفی است.

۵ الف. فکر می‌کنم دیروز علی سر کلاس نیامده باشد.

ب. آمده؟

پ. این درست نیست، آمده.

در حالت چهارم، فعل بند وجهی، منفی و فعل بند اصلی مثبت است. قطبیت بخش اصلی در این جمله منفی است چون با توجه به کلیت جمله این گونه مطرح می‌شود که امکان «نیامدن علی به سر کلاس» وجود دارد.

اینجا هم همانند حالت دوم و برخلاف حالت‌های اول و سوم که پرسش ضمیمه، قطبیتی مشابه فعل بند اصلی داشت، پرسش ضمیمه مناسب این جمله، مثبت است (۵ ب)؛ یعنی قطبیتی مشابه فعل بند اصلی و مخالف فعل وجهی دارد. بر اساس این، با توجه به اینکه فعل پرسش ضمیمه مثبت است، قطبیت جمله را باید منفی در نظر گرفت.

۶ الف. فکر نمی‌کنم دیروز علی سر کلاس آمده باشد.

ب. آمده؟

پ. این درست نیست، آمده.

در آزمون دروغ نیز، پس از عبارت «این درست نیست» فعل «آمده» قرار گرفته است. در اینجا فعل بند اصلی مورد تردید است؛ اما قطبیت آن همانند فعل بند اصلی است و نه برخلاف آن. به این ترتیب بر اساس آزمون دروغ هم می‌توان گفت که قطبیت جمله منفی است.

بر اساس آنچه در این بخش گفته شد، می‌توان ادعا کرد که در جملات مرکب حاوی وجهیت برداشتی، قطبیت جمله بر اساس فعل اصلی تعیین می‌شود؛ زیرا پرسش‌های ضمیمه تولیدشده در این بخش قطبیت فعل بند اصلی را مورد پرسش قرار می‌دهند.

جدول (۲). رابطه قطبیت و وجهیت برداشتی

حالت چهارم		حالت سوم			حالت دوم			حالت اول			رابطه
جمله	بخش اصلی	فعل	بخش اصلی	فعل	جمله	بخش اصلی	فعل	جمله	بخش اصلی	فعل	
منفی	منفی	منفی	منفی	مثبت	مثبت	مثبت	منفی	مثبت	مثبت	مثبت	مثبت
		مثبت		منفی			مثبت				
مثالها											
فکر نمی‌کنم که دیروز علی سر کلاس آمده باشد.		فکر می‌کنم دیروز علی سر کلاس نیامده باشد.			فکر نمی‌کنم علی دیروز سر کلاس نیامده باشد.			فکر می‌کنم که علی دیروز سر کلاس آمده باشد.			۱

۲-۲- وجهیت گواه‌نمایی

وجهیت گواه‌نمایی نشان می‌دهد که گوینده، چه شاهد یا مدرکی برای باورپذیری و واقعیت‌پذیری گزاره دارد (پالمر، ۲۰۰۷: ۸). به این ترتیب در بازنمایی بندی مفهوم وجه گواه‌نمایی، بند دوم خبر است و بند اول می‌گوید که منبع صدور این خبر چیست. جدول (۳) رابطه قطبیت و وجهیت گواه‌نمایی را نشان می‌دهد.

ون ویلین (۲۰۰۵: ۲۱۴)، قلمرو بالقوه کانون را در ارتباط با نیروی منظوری^۱ تعریف می‌کند و می‌گوید: قلمرو بالقوه کانون به بند وابسته می‌رسد اگر و تنها اگر بند وابسته، دختر مستقیم گره بندی باشد که خودش با عمل‌گر نیروی منظوری توصیف می‌شود. ون ویلین جملاتی مانند جمله (۷) را در قلمرو بالقوه کانون می‌داند و به همین دلیل بیان می‌کند هر یک از سازه‌های آن می‌تواند مورد پرسش قرار گیرد. این بدان معنی است که هر کدام از بندهای یک و دو، به طور جداگانه می‌توانند با پرسش‌واژه «آیا» مورد پرسش قرار گیرند؛ به همین دلیل همان طور که در بخش‌های «ب» و «پ» مثال‌های (۷) و (۹) دیده می‌شود، برای هر یک از بندهای وجهی و اصلی، قطبیت را می‌توان جداگانه بررسی کرد. در واقع بسته به اینکه کانون جمله در کدام یک از بندهای پایه یا پیرو قرار بگیرد، پرسش ضمیمه برای آن بند، ساخته می‌شود و به همین ترتیب بر اساس اینکه کانون جمله در کدام بند باشد، قطبیت کلی جمله می‌تواند متفاوت باشد. هدف از طرح نظر ون ویلین در خصوص سطح اطلاعی جمله (۷) آن است که گفته شود به طور کلی به نظر می‌رسد در جملات مرکبی که یکی از بندهای آن

مفهوم وجه گواه‌نمایی را بازنمایی می‌کنند، قطبیت فعل در هر کدام از بندها می‌تواند بر قطبیت کلّ جمله تأثیرگذار باشد. این وضعیت در مورد امکانات دیگر وجهی وجود ندارد؛ یعنی طبق تعریف ون و یلین، در انواع دیگر امکانات وجهی بندی، بند وجهی در قلمرو کانون نیست. این یعنی تنها یک سازه کانونی در هر دو بند می‌تواند وجود داشته باشد و بر همین اساس در ساخت پرسش بله/ خیر تنها قطبیت یکی از افعال می‌تواند مورد پرسش باشد. در ادامه رابطه قطبیت و وجهیت از نوع گواه‌نمایی بررسی می‌شود. در بررسی قطبیت و وجهیت گواه‌نمایی، در حالت اول، قطبیت فعل بند وجهی و اصلی مثبت است.

قطبیت بخش اصلی هم، با توجه به اینکه امکان درستی خبر «ازدواج علی» وجود دارد، مثبت است. در همین بخش برای بررسی قطبیت جمله، از آزمون‌های پرسش ضمیمه و دروغ استفاده می‌شود. در ارتباط با جمله (۷ الف) می‌توان دو پرسش ضمیمه، بر اساس هر یک از بندهای اول و دوم مطرح کرد که در بخش «ب» قابل مشاهده هستند. همان طور که مشاهده می‌شود، با توجه به بند اول که حاوی فعل وجهی است، پرسش ضمیمه «نگفتند؟» و با توجه به بند اصلی، پرسش ضمیمه «ازدواج نکرده؟» قابل طرح است.

۷ الف. بچه‌ها به من گفتند که علی ازدواج کرده است.

ب. نگفتند؟

ازدواج نکرده؟

پ. این درست نیست، بچه‌ها این حرف رو نزدن.

این درست نیست، علی ازدواج نکرده.

برای آزمون دروغ هم دو امکان وجود دارد؛ یعنی بر اساس اینکه کدام بخش جمله، در قلمرو کانون قرار گیرد، دو امکان قطبیت برای هر یک از این بندها مطرح می‌شود که در مثال (۷ پ) قابل مشاهده است. بنابراین با توجه به نتیجه آزمون‌های پرسش ضمیمه و آزمون دروغ، قطبیت هر یک از بندها مثبت است و بر اساس اینکه کانون جمله در کدام بند باشد، قطبیت جمله هم بر اساس آن مثبت خواهد بود.

در حالت دوم، قطبیت فعل هر دو بند منفی است. با منفی شدن فعل «گفتن»، به نظر می‌رسد که درست بودن خبر مطرح در بند اصلی، مفروض دانسته می‌شود؛ چون پرسش ضمیمه‌ای که برای جمله (۸ الف) ساخته می‌شود، برخلاف حالت اول، تنها یک امکان دارد و آن هم به این صورت است که صدق فعل وجهی را مورد تردید قرار می‌دهد و در صورتی که پرسش ضمیمه برای بند اصلی ساخته شود، نادستوری خواهد بود؛ به بیان دیگر وقتی منبع و گوینده خبر بر موضوعی توافق دارند و آن را

مفروض می‌دانند، مورد پرسش قرار دادن آن و تردید کردن در درستی آن به سهولت اتفاق نمی‌افتد. بر اساس این، قطبیت جمله باید به طور کلی منفی در نظر گرفته شود؛ از سوی دیگر با توجه به منفی بودن فعل بند اصلی یعنی «ازدواج کردن»، و مفروض بودن صحّت خبر، قطبیت بخش اصلی هم منفی است و به این ترتیب مشخص است که «علی ازدواج نکرده است».

۸) الف. بچه‌ها به من نگفتند که علی ازدواج نکرده است.

ب. گفتند؟

* ازدواج کرده؟

پ. این درست نیست، بچه‌ها به من گفتن.

* این درست نیست علی ازدواج کرده.

در آزمون دروغ هم همان طور که در قسمت «پ» دیده می‌شود، نمی‌توان در صدق بند اصلی تردید کرد. به این ترتیب در این موارد می‌توان گفت که قطبیت کلّ جمله بر اساس قطبیت فعل بند پایه مشخص می‌شود و چون قطبیت پرسش ضمیمه، برای آن مثبت است، پس قطبیت جمله منفی است. در حالت سوم، فعل بند وجهی مثبت و فعل بند اصلی منفی است. قطبیت بخش اصلی نیز، با توجه به منفی بودن فعل بند اصلی یعنی «ازدواج کردن» منفی است؛ به بیان دیگر در بخش اصلی، رابطه موضوع‌ها با فعل به صورت نفی تعریف می‌شود.

در جمله (۹ الف)، بسته به اینکه چه بخشی از جمله در قلمرو کانون باشد، برای هر دو بند می‌توان پرسش ضمیمه ساخت، برای بند وجهی، پرسش منفی و برای بند اصلی، پرسش مثبت. به این ترتیب بر اساس اینکه کانون جمله در کدام بخش باشد، هر یک از بندها می‌توانند قطبیت کلّ جمله را تعیین کند.

۹) الف. بچه‌ها به من گفتند که علی ازدواج نکرده است.

ب. نگفتند؟

ازدواج کرده؟

پ. این درست نیست. نگفتن.

این درست نیست، ازدواج نکرده.

همان طور که در بخش «پ» دیده می‌شود، آزمون دروغ هم برای هر دو بند، به طور جداگانه می‌تواند مطرح شود و این آزمون هم نشان می‌دهد که با توجه به اینکه کدام بخش جمله در قلمرو

کانون باشد، قطبیت جمله متفاوت می‌شود.

در حالت چهارم، فعل بند وجهی، منفی و فعل بند اصلی، مثبت است. در این حالت، همانند حالت دوم، با منفی شدن فعل «گفتن»، صدق خبر مطرح در بند دوم، مفروض خواهد بود. این مسئله دو پیامد دارد؛ اول آنکه قطبیت بخش اصلی مثبت می‌شود؛ یعنی امکان اینکه «علی ازدواج کرده باشد»، وجود دارد و دیگر آنکه در بحث پرسش ضمیمه تنها می‌توان از بند وجهی سؤال پرسید. پرسش ضمیمه حاصل، قطبیت مثبت دارد و این نشان می‌دهد که قطبیت جمله منفی است. در آزمون دروغ هم نمی‌توان در صدق بند اصلی تردید کرد.

۱۰ الف. بچه‌ها به من نگفتند که علی ازدواج کرده است.

ب. گفتند؟

* نکرده؟

پ. این درست نیست، گفتن.

* ازدواج نکرده.

در پایان این بخش می‌توان گفت که در جملات مرکب حاوی وجهیت گواه‌نمایی، قطبیت جمله، در شرایطی که فعل بند وجهی مثبت است می‌تواند هم بر اساس فعل اصلی و هم فعل وجهی تعیین شود و در شرایطی که فعل بند وجهی منفی است، قطبیت جمله تنها با اتکا به بند وجهی مشخص می‌شود. نکته دیگری که در بحث وجه گواه‌نمایی می‌توان مطرح کرد این است که نوع منبع خبر و میزان سندیت آن بر روی وجهیت جمله تأثیرگذار است. وقتی منبع موثق پیام، خبری را تصریح می‌کند وجهیت جمله با زمانی که منبع نامعلوم، خبری را گزارش می‌کند متفاوت است و بر همین اساس انتظار می‌رود این وضعیت بر روی قطبیت جمله که بر هر حال دو امکان مثبت و منفی را در دو سر پیوستار احتمالات معرفی می‌کند تأثیرگذار باشد. به نظر می‌رسد رابطه قطبیت با زیربخش‌های هر یک از امکانات وجهی بتواند موضوع پژوهشی دیگر باشد.

۲-۳- وجهیت پویا

وجهیت پویا، شامل دو نیروی درونی توانایی و تمایل است که بر انجام رویداد، اثر می‌گذارند (پالمر، ۲۰۰۷: ۹-۱۰). جدول (۴) رابطه قطبیت و وجهیت پویا را ترسیم می‌کند. جمله «علی می‌تواند رانندگی کند» نمونه‌ای برای وجهیت پویا، از نوع توانایی است و جمله «علی دوست دارد تو گروه ما باشی»

نمونه‌ای از وجهیت پویا از نوع تمایل است.

جدول (۳). رابطه قطبیت و وجهیت گواه‌نمایی

حالت چهارم		حالت سوم			حالت دوم			حالت اول			قطبیت
جمله	بخش اصلی	فعل	جمله	بخش اصلی	فعل	جمله	بخش اصلی	فعل	جمله	بخش اصلی	
منفی	مثبت	منفی	مثبت	منفی	مثبت	منفی	منفی	منفی	مثبت	مثبت	مثبت
		مثبت	منفی		منفی			مثبت	مثبت		
مثال‌ها											
بچه‌ها به من نگفتند که علی ازدواج کرده است.		بچه‌ها به من گفتند که علی ازدواج نکرده است.			بچه‌ها به من نگفتند که علی ازدواج نکرده است.			بچه‌ها به من گفتند که علی ازدواج کرده است.			جمله

در بررسی رابطه قطبیت و وجهیت پویا، در حالت اول فعل هر دو بند، مثبت است. با توجه به مثبت بودن فعل «بودن» و اینکه جمله، احتمال وقوع فعل را بالا می‌داند، قطبیت بخش اصلی، نیز مثبت خواهد بود؛ یعنی رابطه فعل جمله و موضوع‌ها از نوع اثبات است و در عین حال امکان اینکه «علی در گروه ما باشد» وجود دارد.

پرسش ضمیمه مناسب برای این جمله، بند وجهی را مورد پرسش قرار می‌دهد و برخلاف مثال‌های مربوط به وجهیت گواه‌نمایی، تنها برای یک بند، قابل طرح است. قطبیت پرسش ضمیمه در این مثال منفی است.

۱۱) الف. علی دوست داره، تو گروه باشه.

ب. دوست نداره؟

پ. این درست نیست. دوست نداره، باشه.

در آزمون دروغ، پس از عبارت «این درست نیست»، فعل «دوست ندارد» می‌آید و به این ترتیب در صدق بند وجهی تردید می‌شود که این با نتیجه آزمون پرسش ضمیمه هم‌سو است. آزمون‌های پرسش ضمیمه و دروغ، نشان می‌دهند که قطبیت جمله (۱۱)، مثبت است.

در حالت دوم قطبیت هر دو بند منفی است. این جمله در داده‌های طبیعی زبان بسامد بالایی ندارد؛

یعنی اگر کسی بخواهد منظوری معادل جمله (۱۲) الف) داشته باشد، از جمله «علی دوست داره، تو گروه ما باشه» استفاده می‌کند؛ اما به هر روی، چون نمونه‌هایی هرچند اندک از این جملات در داده‌های طبیعی زبان وجود دارد، باید بررسی شود. قطبیت بخش اصلی در این جمله مثبت است، چون از معنای این جمله این طور برمی‌آید که اراده بر «بودن علی در گروه» است؛ به بیان دیگر از کلیت جمله این طور برمی‌آید که محمول اصلی جمله (بودن و حضور داشتن) به اجرایی شدن نزدیک‌تر است. پرسش ضمیمه مناسب برای جمله (۱۲)، تنها بند وجهی را مورد پرسش قرار می‌دهد و قطبیت آن مثبت است:

۱۲) الف. علی دوست نداره تو گروه ما نباشه.

ب. دوست داره (نباشه)؟

پ. این درست نیست، دوست داره نباشه.

بند «پ»، نتیجه آزمون دروغ را نشان می‌دهد که پس از عبارت «این درست نیست»، عبارت «دوست داره نباشه» را قرار داده است. هر دو آزمون پرسش ضمیمه و آزمون دروغ نشان می‌دهند که در حالت دوم، قطبیت جمله، بر اساس بند اول و با فعل وجهی مشخص می‌شود که با توجه به مثبت بودن فعل پرسش ضمیمه، قطبیت جمله، منفی خواهد بود.

در حالت سوم فعل بند وجهی مثبت و فعل بند اصلی منفی است. به نظر می‌رسد که قطبیت بخش اصلی در این جمله منفی باشد؛ چون وقوع محمول اصلی جمله (بودن و حضور داشتن) به انجام نشدن، نزدیک‌تر است؛ یعنی امکان اینکه «علی در گروه ما نباشد» بیشتر است و رابطه محمول و موضوعها از نوع نفی است.

پرسش ضمیمه مناسب برای این جمله، منفی و در خلاف قطبیت فعل وجهی است:

۱۳) الف. علی دوست داره تو گروه ما نباشه.

ب. دوست نداره؟

پ. این درست نیست. دوست نداره (باشه).

آزمون دروغ، همانند پرسش ضمیمه، تنها یک امکان منفی‌سازی را نشان می‌دهد و بر اساس این دو آزمون می‌توان گفت که قطبیت جمله (۱۳) مثبت است.

در حالت چهارم فعل بند وجهی، منفی و فعل بند اصلی مثبت است. از نظر میزان احتمال اجرایی

شدن محمول جمله، امکان اینکه «علی در گروه ما باشد» کمتر است، پس می توان قطبیت بخش اصلی را منفی در نظر گرفت و رابطه محمول و موضوعها را نفی دانست.

در اینجا نیز همانند موارد قبلی تنها یک پرسش ضمیمه قابل طرح است. قطبیت پرسش ضمیمه مثبت است و صدق فعل وجهی را مورد پرسش قرار می دهد.

۱۴ الف. علی دوست نداره تو گروه ما باشه.

ب. دوست داره؟

پ. این درست نیست، دوست داره باشه.

نتیجه آزمون دروغ در بخش «پ» و در جهت تأیید نتیجه آزمون پرسش ضمیمه است. بر اساس این، می توان گفت که چون در پرسش ضمیمه قطبیت فعل مثبت است و در آزمون دروغ، فعل بندی که پس از عبارت «این درست نیست» می آید، مثبت است، در نتیجه قطبیت کل جمله منفی خواهد بود.

بر اساس آنچه در این بخش گفته شد می توان ادعا کرد که در جملات مرکب حاوی وجهیت پویا، قطبیت جمله بر اساس فعل وجهی تعیین می شود، زیرا پرسش های ضمیمه تولید شده در این بخش قطبیت فعل بند وجهی را مورد پرسش قرار می دهند.

جدول (۴). رابطه قطبیت و وجهیت پویا

حالت چهارم			حالت سوم			حالت دوم			حالت اول			بند وجهی
جمله	بخش اصلی	فعل	جمله	بخش اصلی	فعل	جمله	بخش اصلی	فعل	جمله	بخش اصلی	فعل	
منفی	منفی	منفی	مثبت	منفی	مثبت	منفی	مثبت	منفی	مثبت	مثبت	مثبت	بند اصلی
		مثبت			منفی			منفی			مثبت	
مثالها												
علی دوست نداره تو گروه ما باشه.			علی دوست داره تو گروه ما نیاشه.			علی دوست نداره تو گروه ما نیاشه.			علی دوست داره، تو گروه ما باشه.			جمله

۲-۴- وجهیت درخواستی

در وجهیت درخواستی عوامل مؤثر بر وقوع رویداد جمله، خارجی است، یعنی نیرویی بیرونی، انجام

رویداد را مجاز می‌شمرد یا آن را اجبار می‌کند. جدول (۵) رابطه قطبیت و وجهیت درخواستی را نشان می‌دهد. لازم به توضیح است که در این جدول، فعل «گفت» در معنای «دستور دادن» به کار رفته و با فعل «گفت» که در مثال‌های (۷) تا (۱۰) به کار رفته و در معنای «روایت کردن» و به مثابه فعل گواه‌نما مطرح شده، متفاوت است.

در بحث رابطه قطبیت و وجهیت درخواستی، در حالت اول، فعل هر دو بند مثبت است. به لحاظ امکان اجرایی شدن رخداد اصلی جمله هم، احتمال «نشستن» علی‌بالا است و بنابراین قطبیت بخش اصلی نیز مثبت است. بر اساس آزمون پرسش ضمیمه که فقط بند وجهی را مورد پرسش قرار می‌دهد و قطبیتی منفی دارد، قطبیت جمله نیز مثبت است.

(۱۵) الف. معلّم به علی گفت بنشینند.

ب. نگفت؟

پ. این درست نیست، معلّم نگفت.

آزمون دروغ، پس از عبارت «این درست نیست»، فعل وجهی را به صورت منفی قرار داده است. به این ترتیب این آزمون نیز هم‌سو با آزمون پرسش ضمیمه، بر مثبت بودن قطبیت جمله تأکید دارد. در حالت دوم، فعل هر دو بند منفی است. این جمله در داده‌های طبیعی زبان بسامد بالایی ندارد؛ اما چون نمونه‌هایی هرچند اندک از این جملات در داده‌های زبان مشاهده می‌شود، آن را بررسی می‌کنیم؛ برای نمونه‌ای از این ساخت می‌توان به دو جمله (۱۶) و (۱۷) اشاره کرد. همان‌طور که دیده می‌شود، فعل‌های زیر خط‌دار شده بندهای وجهی و اصلی، در این مثال‌ها هر دو منفی هستند.

(۱۶) ... وجدانم اجازه نمی‌دهد درباره آن‌ها صحبت نکنم.

(۱۷) سرمربی پانیونیوس اجازه نداد مقابل مکابی بازی نکنم.

در حالت دوم که فعل هر دو بند منفی است، قطبیت بخش اصلی مثبت است. چون با توجه به محتوای جمله، احتمال اجرایی شدن کنش «نشستن» بالا است؛ یعنی رابطه فعل با موضوعش، از نوع اثبات است.

پرسش ضمیمه برای مثال (۱۸)، تنها فعل وجهی را مورد پرسش قرار می‌دهد و قطبیت آن مثبت است. آزمون دروغ هم تنها صدق فعل وجهی را مورد تردید قرار می‌دهد. بر اساس این، قطبیت کل جمله (با وجود منفی بودن فعل وجهی و اصلی) مثبت است.

۱۸) الف. معلّم به علی نگفت نشیند.

ب. گفت؟

پ. این درست نیست، گفت.

در حالت سوم فعل بند وجهی مثبت و فعل بند اصلی منفی است. در اینجا چون امکان اجرایی شدن فعل «نشستن» به انجام نشدن نزدیکتر است، پس قطبیت بخش اصلی منفی فرض می‌شود؛ یعنی امکان اینکه «علی بنشیند» پایین است.

آزمون پرسش ضمیمه و آزمون دروغ برای تعیین قطبیت جمله به کار می‌روند. همان طور که در بخش «ب» جمله زیر دیده می‌شود، پرسش ضمیمه مناسب برای جمله «الف»، بر اساس بند اول یعنی «معلم به علی گفت» ساخته می‌شود و قطبیت آن منفی است. این یعنی که قطبیت کلّ جمله مثبت فرض می‌شود:

۱۹) الف. معلّم به علی گفت نشیند.

ب. نگفت؟

پ. این درست نیست، نگفت.

آزمون دروغ، آن طور که در بخش «پ» مشخص است، صدق فعل وجهی را به چالش می‌کشد و منفی بودن فعل «گفتن» پس از عبارت «این درست نیست» هم‌راستا با آزمون پرسش ضمیمه بر این مسئله تأکید می‌کند که قطبیت کلی جمله، مثبت است.

در حالت چهارم فعل بند وجهی منفی و فعل بند اصلی مثبت است. در اینجا چون «علی» به نوعی، از انجام «نشستن» منع شده، در نتیجه احتمال اجرایی شدن محمول جمله یعنی «نشستن» کم است و به همین دلیل قطبیت بخش اصلی منفی فرض می‌شود.

در بحث آزمون‌ها، قطبیت پرسش ضمیمه در ارتباط با جمله (۲۰ الف)، مثبت است و تنها در ارتباط با فعل وجهی مطرح می‌شود. آزمون دروغ هم، تنها صدق فعل وجهی را به چالش می‌کشد. به این ترتیب باید گفت که با توجه به آزمون پرسش ضمیمه، قطبیت کلّ جمله منفی است.

۲۰) الف. معلّم به علی نگفت بنشیند.

ب. گفت؟

پ. این درست نیست، گفت.

جمله، از دو آزمون پرسش ضمیمه و دروغ استفاده شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در وجه برداشتی، در حالت اول که فعل بند وجهی اصلی و وجهی مثبت است، قطبیت هسته، بخش اصلی و جمله مثبت است. در حالت دوم قطبیت افعال منفی است، ولی قطبیت جمله، مثبت است و احتمال وقوع گزاره هم به سوی مثبت پیوستار نزدیک‌تر است. در حالت سوم که فعل بند وجهی مثبت و بند اصلی منفی است و در حالت چهارم که فعل بند وجهی منفی و فعل بند اصلی مثبت است، قطبیت بند و احتمال وقوع گزاره منفی است.

در وجهیت گواه‌نمایی، زمانی که فعل وجهی مثبت است، برای هر یک از بندهای اول و دوم، آزمون‌های پرسش ضمیمه و آزمون دروغ را می‌توان جداگانه تولید کرد. در حالت اول که قطبیت فعل‌های هر دو بند مثبت است احتمال وقوع گزاره مثبت و قطبیت هر یک از بندهای اول و دوم هم مثبت است. در حالت دوم قطبیت افعال، بخش اصلی و جمله، منفی است. در حالت سوم فعل بند وجهی مثبت و بند اصلی منفی است و بر اساس اینکه کدام یک از بندها در قلمرو کانونی باشد، قطبیت جمله می‌تواند مثبت یا منفی باشد. در این حالت قطبیت بخش اصلی، یعنی احتمال وقوع گزاره، منفی است. در حالت چهارم که فعل بند وجهی منفی و فعل بند اصلی مثبت است، قطبیت جمله منفی است و احتمال درستی گزاره به سوی مثبت بودن تمایل دارد.

در وجهیت پویا، در حالت اول، قطبیت فعل‌های هر دو بند، بخش اصلی و جمله مثبت است. در حالت دوم قطبیت افعال منفی است، ولی قطبیت بند، بر اساس آزمون‌های پژوهش حاضر، منفی گزارش می‌شود و به لحاظ احتمال اجرایی شدن خواسته، قطبیت بخش اصلی، مثبت خواهد بود. در حالت سوم فعل بند وجهی مثبت و بند اصلی منفی است. در این حالت بر اساس آزمون‌ها، قطبیت بند، مثبت است و میزان احتمال اجرایی شدن خواسته به سمت منفی بودن میل دارد. در حالت چهارم که فعل بند وجهی منفی و فعل بند اصلی مثبت است، قطبیت جمله منفی است و احتمال اجرایی شدن خواسته و در نتیجه قطبیت بخش اصلی منفی است.

در وجهیت درخواستی، در حالت اول، قطبیت فعل‌های هر دو بند، بخش اصلی و جمله مثبت است. در حالت دوم قطبیت افعال و قطبیت جمله، منفی است؛ اما به لحاظ احتمال اجرایی شدن خواسته، قطبیت بخش اصلی، مثبت خواهد بود. در حالت سوم فعل بند وجهی مثبت و بند اصلی منفی است. در این حالت، قطبیت بند، مثبت است و میزان احتمال اجرایی شدن خواسته منفی است. در حالت چهارم که فعل بند وجهی منفی و فعل بند اصلی مثبت است، قطبیت جمله منفی است و احتمال

اجرائی شدن خواسته و در نتیجه قطبیت بخش اصلی منفی است.

در نهایت بررسی رابطه وجهیت بندی و قطبیت نشان می‌دهد که در جملات حاوی وجه درخواستی و پویا قطبیت جمله با توجه به فعل وجهی، در وجه برداشتی با توجه به فعل بند اصلی و در وجه گواه‌نمایی اگر فعل وجهی مثبت باشد، بر اساس قطبیت هر دو بند و اگر منفی باشد بر اساس قطبیت فعل وجهی مشخص می‌شود.

لازم به توضیح است که ویژگی‌های زمان و نمود در رابطه قطبیت و وجهیت تأثیرگذار هستند، تا جایی که حتی گاهی با تغییر زمان و نمود افعال وجهی، نوع فعل وجهی تغییر می‌کند. این موضوع می‌تواند در پژوهش‌های دیگر بررسی شود؛ از سوی دیگر به نظر می‌رسد رابطه قطبیت با زیربخش‌های هر یک از امکانات وجهی از هم متفاوت باشد، ارتباط قطبیت جمله با هر یک از زیربخش‌های انواع وجهیت هم می‌تواند موضوع پژوهش دیگری باشد.

منابع

- اخلاقی، فریار (۱۳۸۶). بایستن، شدن، توانستن: سه فعل وجهی در فارسی امروز. دستور، (۳)، ۸۲-۱۳۲.
- باقری، شهلا (۱۳۸۵). بررسی و مقایسه تکواژ نفی در زبان فارسی و انگلیسی و جایگاه آن‌ها نسبت به فعل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- خشکباری، شهره (۱۳۹۷). رابطه قطبیت و وجه‌نمایی در جملات درخواستی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ربانی اصفهانی، کیانوش (۱۳۷۵). عناصر نفی در زبان فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- رحمانی پرهیزکار، زهرا؛ ارسلان گلفام و آریتا افراشی (۱۳۹۳). بررسی طرح‌واره‌های وجهیت در زبان فارسی با رویکرد شناختی. مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۱ (۴)، ۱۰۱-۱۱۸.
- رحیمیان، جلال و محمود عموزاده (۱۳۹۲). افعال وجهی در زبان فارسی و بیان وجهیت. پژوهش‌های زبانی، ۴ (۱)، ۲۱-۴۰.
- رضایی، والی و مژگان نیسانی (۱۳۹۵). تمایز گواه‌نمایی و وجهیت معرفتی بر اساس رفتار قیده‌های زبان فارسی. پژوهش‌های زبانی، ۷ (۱)، ۳۷-۵۶.
- و مهناز آزادمنش (۱۳۹۷). رده‌شناسی نفی در زبان فارسی: انگاره نقشه معنایی. پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۱ (۱۵)، ۵۵-۶۷.

- شقایق، ویدا (۱۳۸۱). پسوند نفی در زبان فارسی. *نامه فرهنگستان*. (۲۰)، ۸۵-۹۶.
- صدیق ضیابری، رؤیا (۱۳۸۸). تجزیه و تحلیل نفی در زبان فارسی معاصر: رویکردی نحوی و کلامی. رساله دکتری زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- کریمی دوستان، غلامحسین و نگین ایلخانی‌پور (۱۳۹۱). نظام وجهیت در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبانی*، ۳ (۱)، ۷۷-۹۸.
- میرزائی، آزاده (۱۳۹۲). *ساخت اطلاع در بندهای مرکب زبان فارسی*. رساله دکتری زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

References

- Erteschik-Shir, N. (2007). *Information Structure: The Syntax-Discourse Interface*. Oxford: Oxford University Press.
- Halliday, M. A. K. & Ch. M. I. M. Matthiessen (2014). *Halliday's Introduction to Functional Grammar*. London and New York: Routledge.
- Morgan, J. L. (1975). Some Interactions of Syntax and Pragmatics. In: P. Cole and J. L. Morgan (Eds.) *Syntax and Semantics: Speech Acts*, vol. iii. (pp. 289-303). New York: Academic Press.
- Palmer, F. R. (2007). *Mood and modality*. Cambridge University Press.
- Payne, J. R. (1985). Negation, In: T. Shopen (Ed.), *Language Typology and Syntactic Description 1*, 197-242.
- Van Valin, Jr. R. D. (2005). *Exploring the Syntax-Semantics Interface*. Cambridge University Press.